

سنت‌های الهی در پیشرفت اقتصادی الحادی از دیدگاه قرآن کریم

* انسیه کاشانی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۱۹

** محمد رکعی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۸

*** علی اصغر هادوی نیا

چکیده

در قرآن دو نوع پیشرفت اقتصادی تبیین شده است. قرآن بهره‌مندی‌های فراوان مادی را با تعابیر مختلف (برکات آسمان و زمین، نهرها و باغ‌ها و...) متناسب با عصر نزولش تبیین می‌کند که برای دو جامعه موحد و ملحد ماهیتی متفاوت دارند و مبنای تحقق آن‌ها نیز با هم تضاد دارند؛ پیشرفت توحیدی برای جامعه موحد و مؤمن محقق می‌شود و خیر و برکت برای آن‌هاست؛ اما پیشرفت الحادی برای ملحدان و نافرمانان ایجاد می‌شود و عذابی در ظاهر نیکوست. در این پیشرفت خداوند تمام درهای نعمت‌های مادی را بر آن‌ها می‌گشاید و به پیشرفت اقتصادی مبتلا می‌کند و این بهره‌مندی‌ها روز به روز بیش‌تر و بیش‌تر می‌شود ولی ناگهان آن نعمات را از آن‌ها می‌گیرد و به عذاب سخت دنیوی و سپس اخروی دچار می‌کند. در این مقاله تحقیقی به این سؤال پاسخ می‌دهیم که رابطه پیشرفت اقتصادی الحادی و سنن الهی از دید قرآن چگونه است؟ و آن دسته از سنن الهی که موجب بروز پیشرفت اقتصادی برای ملحدان می‌شود بررسی می‌شود. این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده می‌کند.

کلیدواژگان: پیشرفت اقتصادی، سنن الهی، پیشرفت الحادی، استدراج، امهال.

ensiehkashani2002@gmail.com

m.rokkaei@gmail.com

alihadavinia@gmail.com

* دانشجوی دکترای کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث.

** استادیار پژوهشگاه کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث.

*** استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نویسنده مسئول: انسیه کاشانی

مقدمه

ادبیات «توسعه» در جهان سوم از دهه ۱۹۴۰ میلادی آغاز شد (تودارو، ۱۳۸۹: ۱۵). توسعه در ابتدا به معنای «رشد» سالانه تولید ناخالص ملی بود (همان: ۲۱) و سپس به معنای رشد، به اضافه تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی بازتعریف شد (همان: ۲۴) اما این تعریف جدید نیز معایب مهمی داشت؛ جهان بینی توسعه سکولار بوده و نقشی برای وجود خداوند در زندگی انسان‌ها و مسئولیتی برای انسان در برابر پروردگار قایل نیست (چپرا، ۱۳۸۳: ۵۵). هدف آن تنها سعادت دنیوی انسان‌هاست (که شاخص‌های مادی توسعه این سخن را تأیید می‌کند) (ر.ک: متوسلی، ۱۳۸۷: ۱۵-۲۶) و در نهایت، جهان‌شناسی مادی توسعه با اسلام تضاد داشته و نظام علیت را فقط در نظام طبیعی و مادی محدود می‌داند (میرمعزی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). این ضعف‌ها موجب شد که اقتصاددانان مسلمان تعاریف دیگری از توسعه ارائه دهند، اما تعاریف آن‌ها همچنان با دیدگاهی که قرآن در این زمینه ارائه می‌دهد فاصله دارند. این تعاریف فرایند توسعه و خود انسان را عامل بهبود وضعیت اقتصادی‌اش می‌دانند و نقش خداوند در این عرصه به طور مجمل و یا مفروض بیان شده است؛ اما قرآن خداوند را عامل اصلی پیشرفت اقتصادی معرفی می‌کند. از آنجا که به تعاریف توسعه که مبتنی بر جهان بینی غرب است، نقدهای مهمی وارد است، در سال‌های اخیر واژه «پیشرفت» به عنوان جایگزین «توسعه» بیان شده است، لذا ما نیز از همین عبارت استفاده خواهیم نمود.

در قرآن دو نوع پیشرفت اقتصادی بیان شده که یکی برای جامعه موحد ایجاد شده و به آن «پیشرفت اقتصادی توحیدی» و دیگری برای جامعه ملحد ایجاد می‌شود و به آن «پیشرفت اقتصادی الحادی» گفته می‌شود. هرچند ظاهر هر دو پیشرفت استفاده از نعمات مادی است، اما ماهیت آن‌ها به کلی از یکدیگر متفاوت است، پیشرفت توحیدی خیر و برکت و پیشرفت الحادی عذاب الهی است.

در این نوشتار به این سؤال پاسخ می‌دهیم که پیشرفت اقتصادی الحادی از دید قرآن چه رابطه‌ای با سنن الهی دارد. برای پاسخ به این سؤال، سننی را که در پیشرفت الحادی دخیل هستند تبیین خواهیم کرد.

اهمیت این بحث از این جهت می‌باشد که در غرب به علت اصالت داشتن انسان، توسعه اقتصادی را حاصل تلاش و ذکاوت انسان می‌دانند و جایگاهی برای خداوند در این عرصه قائل نیستند، اما در جهان‌بینی قرآنی، خداوند به عنوان عامل اصلی پیشرفت اقتصادی انسان‌ها بیان می‌شود و اگر انسان‌ها طبق مبانی توحیدی زندگی کنند، به پیشرفت توحیدی نایل می‌شوند و اگر مشی‌شان الحادی باشد، مشمول پیشرفت الحادی می‌شوند و عوامل غیر مادی نقشی فراتر از عوامل مادی دارند. کار و کوشش انسان‌ها عاملی در طول اراده الهی است و انسان‌ها به تنهایی استقلال ندارند؛ از آنجا که توسعه اقتصادی رایج، مبتنی بر دیدگاه غرب است، پرداختن به دیدگاه قرآن در این مقوله از اهمیت بالایی برخوردار است. از آنجا که پژوهش‌ها و مطالعات اقتصادی سابق به موضوع کار و تلاش انسان‌ها و اثر آن در پیشرفت اقتصادی آن‌ها پرداخته‌اند، در این پژوهش به این موضوع پرداخته نشده و نقش خداوند که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، تبیین شده است. در ابتدای این نوشتار درباره تأثیر جهان‌بینی بر اقتصاد توضیح داده می‌شود. سپس مفهوم پیشرفت اقتصادی توحیدی و الحادی به صورت مختصر بیان می‌شود و در نهایت «رابطه سنن الهی با پیشرفت اقتصادی الحادی» تبیین می‌شود.

پیشینه تحقیق

با بررسی‌های انجام‌شده، پژوهشی که به موضوع این مقاله پردازد ملاحظه نشد؛ اما در منابع زیر به قسمتی از موضوع این مقاله پرداخته شده است: طباطبایی (۱۳۷۴)، با بیان تفاسیر آیاتی که موضوع استدراج را بیان می‌کنند، تعریفی عام از آن بیان می‌کند که پایه این مباحث قلمداد می‌شود. حکیمی (۱۳۸۰)، با بیان آیات و روایات، نظام اقتصاد اسلامی و جایگاه مال و منابع آن و مسئولیت حکومت در برابر آن و نظام تکاثر اترافی و روش‌های مهم اسلام برای براندازی آن را بیان می‌کند. محمدی ری شهری (۱۳۸۲)، دیدگاه آیات و روایات را درباره پیشرفت و توسعه اقتصادی بیان می‌کند. هادوی نیا (۱۳۸۷) مبانی خدا شناختی، جهان‌شناسی، انسان شناختی و جامعه‌شناسی اقتصاد را بیان می‌کند و ارتباط این مبانی با اقتصاد را توضیح می‌دهد. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۶) سنت استدراج را توضیح داده- که همان پیشرفت اقتصادی الحادی است- این

کتاب عوامل و مبانی استدراج را بیان کرده است، که این عناصر بیش تر در غالب مبانی انسان‌شناختی پیشرفت قرار می‌گیرند. اما این مقاله با بیان تعریف جدیدی از پیشرفت الحادی و استدراج، رابطه این پیشرفت و سنن الهی را بیان می‌کند.

تأثیر جهان‌بینی بر اقتصاد

نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. این زیرساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً «جهان‌بینی» نامیده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۷۷). جهان‌بینی به دو قسم توحیدی و الحادی تقسیم می‌شود (همان، ج ۳: ۳۶).

اساساً اهداف یک نظام اقتصادی، به وسیله جهان‌بینی‌اش تعیین می‌شود. همچنین، جهان‌بینی نوع راهبرد لازم برای تحقق اهداف را تعیین خواهد کرد. بنابراین هم اهداف و هم راهبرد نظام اقتصادی نتیجه منطقی جهان‌بینی حاکم بر آن است. البته ممکن است یک نظام اقتصادی اهدافش را از جهان‌بینی خاصی اخذ کند، اما راهبردش را از جای دیگری کسب نماید. به عنوان مثال، ممکن است اهداف نظامی از جهان‌بینی مذهبی اخذ شود که همه انسان‌ها را اعضای یک خانواده تلقی می‌کند، اما راهبرد آن از جهان‌بینی‌هایی گرفته شود که تلویحاً برادری و رفاه انسان‌ها را به صورت دسته‌جمعی نفی کند؛ در این حالت، بین اهداف و راهبرد، تضاد به وجود خواهد آمد و موجب می‌شود که نظام در تحقق اهدافش با مشکل مواجه شود و مشکلات و مسایل اجتماعی-اقتصادی غیر قابل حلی به وجود آید. بنابراین در هر بحثی که درباره توسعه اقتصادی در کشورهای اسلامی صورت می‌گیرد، ضروری است جهان‌بینی اسلامی و اهداف و نوع توسعه متناسب با این جهان‌بینی در نظر گرفته شود (چپرا، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۴).

اسلام یک برنامه جامع برای زندگی و هدایت بشر بیان کرده و به تمام ابعاد وجودی انسان توجه داشته و همانطور که به معنویت و آخرت انسان توجه کرده به دنیای او و نیازهای مادی او نیز توجه داشته و برای بهبود این زندگی مادی و موفقیت او در این زمینه راهکار بیان کرده است. یکی از این عرصه‌ها اقتصاد و پیشرفت اقتصادی بشر است. البته باید توجه داشت که زبان قرآن متناسب با فرهنگ عصر ظهورش است و از تعابیر

رایج در همان دوره استفاده کرده و برای بیان پیشرفت اقتصادی از تعبیر «برکات آسمان و زمین» (اعراف/۹۶)، «بارش فراوان باران» (هود/۵۲ و نوح/۱۱)، «افزایش نیرو» (هود/۵۲)، «روزی بی حساب» (نور/۳۸) و... استفاده کرده است.

پیشرفت اقتصادی توحیدی

در جهان بینی توحیدی علاوه بر ایمان به خالقیت و تدبیر مطلق الهی، انسان‌ها خود را در برابر پروردگار مسئول و پاسخگو می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۸) و نسبت به فرامین پیامبران الهی ملزم می‌داند. پیشرفت اقتصادی توحیدی برای جامعه موحد است که انسان‌ها در بعد عقیده و عمل موحد هستند. آیات متعددی از قرآن پیشرفت اقتصادی توحیدی را بیان می‌کند، به طور نمونه آیه ۹۶ سوره اعراف می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

«و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برای‌شان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم»

به اجمال باید گفت که این دسته از آیات بیان می‌کنند که این پیشرفت، یک فرآیند مستمر بوده (نور/۳۸) و نقش اصلی ایجاد را خداوند ایفا می‌کند (عد/۲۶) هر چند انسان باید برای بهبود وضعیت اقتصادی‌اش تلاش کند، اما نقش او، فراهم کننده زمینه لازم برای این پیشرفت است. برای رسیدن به این پیشرفت، جامعه باید مقدماتی مانند ایمان، تقوا (اعراف/۹۶)، استغفار، توبه (هود/۵۲ و نوح/۱۰-۱۲) و استقامت (جن/۱۶) را فراهم کند و ایمان عده‌ای محدود کافی نیست (اعراف/۹۶) این پیشرفت پایدار، علاوه بر دنیا در آخرت و بهشت نیز شامل بندگان می‌شود (طه/۱۳۱).

سنن الهی

همانگونه که در عالم طبیعت قوانینی حاکم است که تخلف از آن‌ها محال است، مانند قانون جاذبه، ارشمیدس، پاسکال و... بر حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها نیز یک سلسله

قوانین حکومت می‌کند که قابل تخلف نیستند: ﴿وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (احزاب/۶۲) و به آن‌ها سنن الهی گفته می‌شود، چون سنت امداد، رزق، آزمایش، استدراج، هدایت و... (نصری، ۱۳۷۹: ۳۹۰) سنت خداوند جریان ظهور صفات او بر طبق ضوابط مخصوص است و سنت خداوند به ظهور صفات فعل او مانند اماته، احیا، غضب و... برمی‌گردد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵: ۲۳۷ و ۲۳۸). این سنن برای همه جوامع، در همه زمان‌ها عمومیت دارند. سنن، تکوینی و حقیقی بوده نه تشریحی و اعتباری (هادوی نیا، ۱۳۸۶: ۶). پذیرش سنت‌های الهی به معنای نفی نقش اراده انسان در تغییر جامعه و تاریخ نیست، چراکه انسان خود با اختیار خویش زمینه اجرای سنت‌های الهی را فراهم می‌سازد و سنت‌های الهی از زیر دست انسان‌ها جریان می‌یابد (نصری، ۱۳۷۹: ۳۹۱).

جهان بینی الحادی

«الحاد» از ریشه «لحد» گرفته شده، لحد یعنی اثر یا عملی که از متن برنامه منظور خارج شده باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۱۶۹) و الحاد یعنی منحرف شدن از حق، که به شکل انحراف از پرستش خدا و تمایل به شرک و شرک ورزیدن به خداوند از راه اسباب محقق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۲۰). برای تبیین جهان بینی الحادی از نظر قرآن باید آیاتی که عقاید اقوام پیامبران و نیز جاهلیت بت پرست مقارن با ظهور اسلام را نشان می‌دهد بررسی کرد. با بررسی این آیات جهان بینی الحادی بیان می‌شود. اعراب جاهلیت معتقد بودند که «الله» آفریننده جهان است (عنکبوت/۶۱؛ زخرف/۸۷)؛ او بخشنده باران و به صورت عام‌تر بخشنده زندگی به همه موجودات زنده بر روی زمین است (عنکبوت/۶۳) او از آسمان و زمین به انسان‌ها روزی می‌دهد؛ اوست که امور را تدبیر می‌کند؛ و... (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۱۲۶). آیات دیگری که نحوه دعوت انبیاء مختلف را بیان می‌کند، نیز نشان می‌دهد که مردم به وجود خداوند علم داشتند، اما آن‌ها نمی‌خواستند از پرستش خدایانی که داشتند دست بردارند و تعالیم پیامبران را قبول کنند. لذا در جهان بینی الحادی علم به وجود خداوند و تعدادی از صفات و افعال او وجود دارد، اما آن‌ها به آنچه علم دارند، ایمان نداشته و حقیقت را کتمان و تکذیب می‌کنند و این علم منجر به عمل در زندگی آن‌ها نمی‌شود.

پیشرفت اقتصادی الحادی

در مقابل پیشرفت توحیدی، قرآن پیشرفت الحادی را نیز ترسیم می‌نماید؛ به طور نمونه می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فِإِذَا هُمْ مُنْتَلِسُونَ﴾ (انعام/۴۴)

«پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمت‌ها] را بر آنان گشودیم، تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند؛ ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم، و یکباره نومید شدند» «پیشرفت اقتصادی الحادی» نیز یک فرآیند دارای حرکت است، وقتی انسان‌ها به مرحله‌ای رسیدند که با سختی‌ها و بلاهای متنبه نشدند و بازنگشتند (اعراف/ ۹۴ و ۹۵) و به «نسیان تذکرات» (انعام/۴۴) و «تکذیب آیات الهی» (اعراف/۱۸۲) پرداختند، مشمول این پیشرفت می‌شوند، به طوری که زیادی این بهره‌مندی‌ها، موجب شگفتی دیگران می‌شود؛ (توبه/ ۵۵) اما قرآن این بهره‌ها را در برابر نعمات اخروی متقین اندک می‌داند؛ این پیشرفت همان سنت "استدراج" است (نظرپور و کاشانی، ۱۳۹۳: ۹ و ۱۰) و موجب می‌شود که کفار لحظه به لحظه بیش‌تر سقوط کنند و به هلاکت نزدیک‌تر شوند. این تمتعات علی‌رغم پندار ملحدان، خیری برای‌شان نیست و عذاب الهی است؛ (مؤمنون/۵۵ و ۵۶) فقط مربوط به دنیا بوده و در آخرت عذاب سخت الهی شامل آن‌ها می‌شود (توبه/ ۵۵).

بستر پیشرفت اقتصادی الحادی

سنت هدایت توسط پیامبران، یکی از سنن مطلق الهی است که خداوند برای هدایت هر قومی، پیامبری را به سوی آن‌ها مبعوث می‌کرد تا آن‌ها را به پرستش خدای یگانه، نفی شرک و رعایت تقوا فرا خواند؛ عده کمی به آن‌ها ایمان می‌آوردند، اما بیش‌تر مردم نبوت پیامبری از جنس خودشان را نمی‌پذیرفتند و همچنان از آیین پدران خود پیروی می‌کردند و به پیامبران ایمان نمی‌آوردند؛ سپس خداوند به آن‌ها فرصت می‌داد و آن‌ها را به سختی و رنج مبتلا می‌کرد تا شاید به خود آیند، و به سوی خدا بازگردند و تضرع

کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۴۶) اما آن‌ها از نافرمانی‌های خود به سمت دین حق بازنگشتند و آیات الهی را تکذیب کردند و تذکرات پیامبران را از یاد بردند، قلب‌های آن‌ها سخت شد: ﴿قَسَتْ قُلُوبَهُمْ﴾ (انعام/۴۳) و شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زیبا جلوه داد؛ قرآن «قلب قسی» را قلبی می‌داند که مثل سنگ و سخت‌تر از آن شود، زیرا بعضی از سنگ‌ها می‌شکافند و از آن‌ها جوی‌هایی روان می‌شود، اما چنین قلب‌هایی سخت‌تر از سنگ بوده و اصلاً حق را نمی‌پذیرند. خداوند بر دل‌های آن‌ها مهر می‌زند: ﴿خَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ﴾ (بقره/۲۷) و بر دیده‌های آن‌ها پرده می‌افکند: ﴿وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً﴾ (جاثیه/۲۳)، اعمال سوء این افراد، زنگار بر قلب‌های آن‌ها نشانده است: ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (مطففین/۱۴).

چنین کسانی دیگر حق را نمی‌پذیرند و هدایت نخواهند شد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۲۶۵): ﴿فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ﴾ (جاثیه/۲۳)

لذا پس از این مرحله خداوند آن‌ها را به استدراج مبتلا می‌کند؛ پس مراحل قبل از استدراج را می‌توان به طور خلاصه به چهار مرحله تقسیم کرد:

۱. هدایت و دعوت پیامبران؛
۲. عدم ایمان مردم به پیامبران و تعالیم آن‌ها؛
۳. مهلت دادن خداوند به مردم و فرستادن سختی برای بازگشت مردم به سوی حق؛
۴. قساوت قلب آن‌ها و اثر نگذاشتن سختی‌ها؛

تعامل خداوند با ملحدان در پیشرفت الحادی

تعامل خداوند با ملحدان در پیشرفت اقتصادی الحادی شامل سه مرحله می‌شود: ایجاد گشایش فراوان مادی، عذاب دنیوی و عذاب اخروی.

۱. ایجاد گشایش فراوان مادی

وقتی سختی‌ها در مردم اثر نداشته و به قساوت قلب رسیدند، خداوند انواع گرفتاری‌های آنان را برطرف ساخته، روز به روز زندگی‌شان را از هر جهت مرفه‌تر نموده، و بدین وسیله ساعت به ساعت به عذاب خود نزدیک‌تر کرده (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۴۷)

تا اینکه مردم گفتند که به حکم طبیعت به پدران ما هم رنج و راحتی می‌رسیده است و تصور کردند که این وقایع چرخش روزگار است نه تدبیر الهی؛ این مرحله اگرچه ظاهری نیکو دارد، اما به خاطر غضب الهی نسبت به آن‌هاست و برای این است که آن‌ها بیش‌تر سقوط کنند، لذا علی‌رغم ظاهر نیکویش خیری برای آن‌ها ندارد:

﴿ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَعْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (اعراف / ۹۵)

۲. عذاب دنیوی

پس از بهره‌مند نمودن ملحدان، خداوند آن‌ها را به طور ناگهانی در همین دنیا عذاب می‌کند؛ آیات بیان می‌کنند که استدرج به عذاب دنیوی منجر می‌شود:

الف) ﴿فَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ (توبه/ ۵۵) این آیه می‌گوید فراوانی اموال و اولاد آن‌ها تو را شگفت‌زده نکند، خداوند می‌خواهد با آن‌ها این افراد را در دنیا عذاب کند و آن‌ها را کافر بمیراند. همین مضمون در آیه دیگری از سوره توبه تکرار شده است.

ب) در آیه ۵۵ توبه فرمود که اعطای مال زیاد به این افراد برای این است که کافر بمیرند و در آیات دیگر می‌فرماید که کافران را در دنیا و آخرت عذاب شدید می‌کند:

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَعَذَّبْنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ (آل عمران/ ۵۶)

ج) قارون یکی از کسانی است که به استدرج دچار شد. قرآن در داستان قارون می‌گوید:

﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا﴾ (قصص/ ۷۸)

«خداوند اقوامی را که نیرومندتر و پرجمعیت‌تر از او بودند قبل از او هلاک کرده است»

که نشان می‌دهد سنت خداوند چنین است که آن‌ها را در دنیا عذاب کرده و به هلاکت می‌رساند.

لذا زمانی که آن‌ها سرگرم تمتعات مادی شده و با آن‌ها شاد می‌شوند، ناگهان خداوند از جایی که انتظار ندارند بر آن‌ها عذاب نازل کرده و آن‌ها را هلاک می‌کند؛ این عذاب شکل‌های مختلفی دارد که در قرون گذشته به صورت طوفان، سیل، صاعقه، زلزله و... بود و می‌تواند شکل‌های دیگری هم داشته باشد مثلاً قرآن یکی از عذاب‌های الهی را تنگی زندگی و ترس از حوادث و نداشتن تکیه گاه می‌داند:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ (طه/۱۲۸)

۳. عذاب اخروی

پس از عذاب دنیوی خداوند این گروه را به عذاب سخت اخروی مبتلا می‌کند. قرآن می‌فرماید که اعطای اموال زیاد به این گروه برای این است که کافر بمیرند:

﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ (توبه/۵۵)

و کافران را در دنیا و آخرت عذاب شدید می‌کند:

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَعَذَّبْنَا لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ (آل عمران/۵۶)

سنن مؤثر در پیشرفت اقتصادی الحادی

با توجه به تعریف پیشرفت اقتصادی الحادی، سنن مؤثر در این پیشرفت را توضیح می‌دهیم.

۱. سنت امداد

قرآن بیان می‌کند که هر دو نوع پیشرفت اقتصادی که برای جامعه توحیدی و الحادی ایجاد می‌شود، به علت امداد الهی به هر دو گروه است. عام‌ترین، کامل‌ترین و کلی‌ترین سنتی که خداوند در پی اعمال انسان‌ها اعمال می‌کند، سنت «امداد» است؛ بدین معنا که پروردگار، هم کسانی را که طالب دنیا و حرکت در راه باطل باشند و هم کسانی را که جویای آخرت و حرکت در طریق حق باشند کمک می‌کند، یعنی وسایل

نیل به هدف را برای هر دو دسته فراهم می‌سازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۴۷۹ و علی بنابی، ۱۳۹۷: ۵۱). «مد» در اصل به معنای کشیدن است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۱۰). امداد و مد هر چیزی به این است که از نوع خودش به آن اضافه گردد تا به این وسیله وجود و بقایش امتداد یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۹۱؛ هادوی نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۴). سنت امداد از سنت‌های مشروط است، زیرا مسبوق به رفتار آدمیان است، یعنی آنان ابتداءً اراده دنیا یا آخرت می‌کنند و در راه آن می‌کوشند و آنگاه امدادهای الهی به آنان می‌رسد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۴۷۹):

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ۝ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ۝ كُلًّا نُمِدُّهُمُوهَا وَهُوَ لِمَنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾ (اسراء/ ۱۸-۲۰)

این آیات بیان می‌کنند که این سنت شامل کافران و مؤمنان می‌شود؛ یعنی سنتی فراگیر است. تقدم «کلاً» که مفعول «نمد» است بر این فعل، عمومیت امداد نسبت به هر دو گروه را نشان دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۹۲). البته امدادهای الهی به مؤمنان، به مراتب، بیش از کمک‌هایی است که به غیر مؤمنان می‌رسد و از اسباب عادی هم درمی‌گذرد و مددهای غیبی و فوق طبیعی را نیز شامل می‌شود.

مطابق آیه بیست اسراء، امداد خدای سبحان به این معناست که تمامی وسایل عمل را به انسان می‌دهد، از قبیل علم، اراده، ابزار بدنی و مواد خارجی که عمل روی آن‌ها واقع می‌شود، اسباب مربوط به عمل، امور تکوینی هستند که آدمی خودش در خلقت آن‌ها دخالت ندارد و خداوند به فضل خود آن‌ها را اضافه فرموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۹۱ و هادوی نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۴). طبق این آیات سنت امداد، سنتی عکس‌العملی و مقید به اعمال انسان‌ها و فراگیر است. آیات دیگری نیز فراگیری امداد الهی را بیان می‌کنند، البته بر طبق این آیات، امدادهای الهی به جویندگان دنیا، محدود به حدودی است (به تعبیری از قبیل «ما نشاء لِمَنْ نُرِيد» توجه کنید)، در حالی که امدادهایی که به طالبان آخرت می‌شود حدی ندارد (تعبیر «كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» دلالت می‌کند بر اینکه خدای متعالی شاکر آنان است و این سپاس الهی امری است که هیچ

پاداشی با آن قابل مقایسه نیست) (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۴۸۰). سنت امداد جلوهای از توحید افعالی است که در هر دو الگو از پیشرفت توحیدی و الحادی تأثیر دارد و خداوند هر دو گروه را برای رسیدن به پیشرفت اقتصادی امداد می‌نماید. در الگوی پیشرفت توحیدی خداوند می‌فرماید: اگر استغفار کنید، شما را با اموال و فرزندان یاری می‌کند.

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ۖ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ۖ وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيُنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾

خداوند می‌فرماید در صورت استغفار و توبه جمعی، باران فراوان خود را بر مردم خواهد باراند و با مال و فرزند آنها را یاری خواهد کرد و باغ‌ها و نه‌هایی برای آنها پدید خواهد آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۴۵) که همه این‌ها موجب بهبود وضعیت اقتصادی و پیشرفت اقتصادی آنها می‌شود.

خداوند پیشرفتی که برای ملحدان ایجاد می‌کند، را نیز تحت سنت امداد یاد می‌کند:

﴿فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۚ أَيْحَسِبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنٍ ۖ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ ۚ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ﴾

خداوند در این آیات می‌فرماید: آیا اینان گمان می‌کنند که اگر در مدت مهلت، مال و فرزندان به ایشان دادیم، از این جهت بوده که خواسته‌ایم خیرشان را زودتر به ایشان برسانیم؟ نه، درک نمی‌کنند، زیرا حقیقت امر این است که ما ایشان را املاء و استدرج کرده‌ایم، یعنی اگر مال و فرزند بیش‌تری به ایشان می‌دهیم، می‌خواهیم در طغیان بیش‌تری فرو روند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۳).

لذا خداوند با توسعه در مال و فرزندان کفار به آنها یاری می‌رساند؛ اما این یاری، به خاطر سنت فراگیر خداوند، در امداد مؤمن و کافر است و خیری برای آنها نیست، بلکه برای عذاب کردن بیش‌تر آنها است، اما آنها نمی‌فهمند و تصور می‌کنند خداوند با سرعت به آنها خیر رسانده است.

یکی از مبانی مهم امداد الهی، مالکیت فراگیر، حقیقی و تکوینی خداوند نسبت به همه کاینات است که نتیجه پذیرش خالقیت او می‌باشد (هادوی‌نیا، ۱۳۸۷: ۸۶ به نقل از هادوی تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

۲. امهال و املاء

یکی از معانی «إِمْهَالًا» امهال، مهلت دادن و تأخیر است (عسکری، ۱۴۱۲ق: ۷۳). امهال از ریشه «مَهَّلَ» به معنای سکون و آرامش است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۶۲). بر اساس سنت «امهال و مهلت»، خداوند به همه انسان‌ها مهلت می‌دهد تا چنانچه در مسیر باطلی قرار دارند، از آن مسیر دور شده و به سوی حق گام بردارند. اگر انسانی ظلم کرد، خداوند او را به سرعت مجازات نمی‌کند، بلکه بر اساس این سنت به او فرصت تجدید نظر در اعمالش را می‌دهد تا به سوی خداوند بازگردد:

﴿وَلَوْ يَؤُؤُاْخِذُ اللّٰهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوْا مَا تَرَكَ عَلٰى ظَهْرِهِمْ اَمْرًا مِّنْ دَابَّةٍ وَّلَا كِيْنَ يُؤَخَّرُوْهُمْ اِلٰى اَجَلٍ

مُسَّغِيٍّ﴾

مشابه این مضمون در سوره نحل نیز بیان شده است. بنا بر این آیات اگر خداوند می‌خواست انسان‌ها را به خاطر اعمال زشتشان مؤاخذه و مجازات کند، هیچ موجود زنده‌ای بر روی زمین باقی نمی‌ماند، ولی مشیت او بر این تعلق گرفته که هر گناهکاری تا مدتی معین، فرصت بازگشت به سوی خدا را داشته باشد (نصری، ۱۳۷۹: ۴۱۱ و ۴۱۲). در استدراج در دو مرحله سنت مهلت الهی اعمال می‌شود؛ در سومین مرحله از بستر استدراج، پس از عدم ایمان مردم به پیامبران، خداوند به آن‌ها فرصت داده و آن‌ها را به سختی و ناراحتی مبتلا می‌کند تا شاید به سوی پروردگار و آیین حق بازگردند؛ لذا این مرحله، سنت مهلت الهی و از روی رحمت خداوند به بندگان است. خود استدراج نیز مهلت خداوند به ملحدان است:

﴿سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۱۸۳﴾ وَاُمَلِيْ لَهُمْ اِنْ كَانُوْا عَلٰىٰ اَعْرَافٍ ﴿۱۸۲﴾﴾

(۱۸۳)

کلمه "املاء" که فعل "املی" از آن مشتق شده به معنای مهلت دادن و تأخیر عقوبت است، معنای آیه این است که: من به کفار مهلت می‌دهم تا با نعمت ما، غرق در گناه شوند و هر جور دلشان خواست گناه کنند، که کید من قوی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۶۴۴ و ۶۴۵) لذا خداوند به کفار مهلت می‌دهد و برای عقاب کردن آن‌ها شتاب نمی‌کند، اما این مهلتی که به آن‌ها داده می‌شود، خیری برای آن‌ها ندارد و برای زیاد شدن گناهان آن‌ها است:

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا أُمِلُوا لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ أَنَّمَا أُمِلُوا لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾

فلسفه استدراج نیز غوطه‌ور شدن هرچه بیش‌تر کافران در گناه و عذاب شدن بر اثر آن است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۲۰). لذا این مهلت به خاطر غضب الهی نسبت به آن‌ها است و رحمتی برای آن‌ها نیست. رابطه املاء با استدراج، رابطه عموم و خصوص مطلق است، به این معنا که هر استدراجی، املاء است یعنی به نوعی مهلت و تأخیر است ولی هر املائی استدراج نیست (عسکری، ۱۴۱۲ق: ۷۳). آیاتی از قرآن املاء و مهلت دادن به کافران را بیان کرده است. واژه «وذر» هم که به معنای ترک کردن است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱۳: ۷۵) به همین معنا اشاره دارد (فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶: ۲۳):

﴿فَذَرُّهُمْ فِي عَمَزَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾

واژه‌های «تأخیر» و «انتظار» نیز به فرایند مهلت دهی به گمراهان اشاره دارد: (فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶: ۲۲):

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾

۳. مکر

مکر یعنی با حيله و نیرنگ کسی را از مقصدش دور کنند و برگردانند، که دو گونه است: مکر پسندیده که به وسیله آن قصد کار خوبی بشود و مکر و حيله مذموم و ناپسند که کسی کار زشتی را قصد کند. بعضی گفته‌اند از مکر خدا، مهلت دادن به بنده است تا از امور دنیائی بهره‌مند شده و جزایش را ببیند. از این جهت حضرت علی فرمود: «مَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ مُكْرَبٌ بِهِ فَهُوَ مَخْدُوعٌ عَنْ عَقْلِهِ» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۳۷). حقیقت مکر این است که بخواهند به فردی ضرر برسانند به شکلی که مخفی باشد یا شکلی که گمان کند آن کار برایش نفع دارد (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۸: ۲۱۲).

مکری که خدا نسبت به عده‌ای از انسان‌ها اعمال می‌کند، مکر پسندیده است. این عمل از خدای تعالی وقتی صحیح است که به عنوان مجازات صورت بگیرد، انسان معصیتی کند که مستحق عذاب شود، و خداوند او را از آنجایی که خودش نفهمد معذب نماید و یا سرنوشتی برای او تنظیم کند که او خودش با پای خود و غافل از سرنوشت

خود به سوی عذاب برود، و اما مکر ابتدایی و بدون اینکه بنده معصیتی کرده باشد، البته صدورش از خداوند ممتنع است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۵۵).

درباره رابطه پیشرفت الحادی و استدراج با مکر الهی باید گفت که استدراج و عذاب دنیوی بعد از آن به علت مکر الهی است:

۱. اعطای نعمات فراوان مادی به ملحدان از روی غضب الهی است و موجب سقوط بیش‌تر آن‌ها می‌شود و «مکر» الهی نسبت به ملحدان است. مکر خدا معامله او با بندگان، بر خلاف انتظار آن‌ها است؛ مانند آنکه به آن‌ها نعمت و صحت و فراغت کرامت فرماید تا مست و مغرور شوند و خباثت طینت آن‌ها آشکار شود، ناگهان آن‌ها را مقهور و نابود فرماید (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ ق، ج ۲: ۴۵۴ و ۴۵۵). مکر خدا این است که آن‌ها را به وسیله تندرستی و طول عمر و نعمت‌های دیگر سرگرم و غافل سازد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۱۹۰). قرآن درباره این موضوع می‌گوید که: ﴿وَأَمَلِي لَهُمْ إِن كَيْدِي مَتِينٌ﴾ (اعراف/۱۸۳)؛ قلم/۴۵). خداوند کسانی را که آیات الهی را تکذیب می‌کنند به استدراج دچار می‌کند و به آن‌ها مهلت می‌دهد اما این مهلت دادن خیری برای آن‌ها ندارد و به خاطر تدبیر و کید الهی است، در قرآن سنت مکر، علاوه بر واژه مکر با واژه کید نیز بیان شده است (نصری، ۱۳۷۹: ۴۱۶). مکر اینجا استعاره است برای مهلت دادن و نعمت دادن در زمان مهلت (ابن عاشور، بی تا، ج ۸: ۲۱۲). مکر خدا استدراج او نسبت به بندگان، با سلامت و طول عمر و تظاهر نعمت است (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴: ۷۸).

۲. بعد از استدراج عذاب کردن ناگهانی آن‌هاست که در همین دنیا محقق می‌شود؛ این عذاب به صورت طوفان، سیل، صاعقه، زلزله و... می‌باشد. چون این عذاب‌ها ناگهانی است، این‌ها نیز مکر الهی است. چنانکه خداوند می‌فرماید مردمی که آیات خداوند را تکذیب کردند از این در امان نیستند که در شب که خوابیده‌اند یا در روز که به بازی سرگرم‌اند عذاب الهی بر آن‌ها نازل شود، قرآن این عذاب‌ها را مصداق مکر الهی می‌داند و می‌فرماید که آن‌ها از مکر الهی در امان نیستند: ﴿أَفَأَمَّنُوا مَكْرَ اللَّهِ﴾ (اعراف/۹۹). استفهام در این آیه انکاری است، یعنی آن‌ها از مکر الهی در امان نیستند. علت اینکه در این آیه عذاب را مکر نامیده، این است که طوری بر آن‌ها نازل می‌شود که ندانند و نفهمند. چنانکه مکر نیز طرف را غافلگیر می‌سازد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۱۹۰). مکر خدا که

گرفتن ناگهانی خداوند است، استعاره است از استدراج و گرفتن او به صورتی که نداند. (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴: ۷۸ و زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۳۴).

۴. عذاب

پیشرفت الحادی عذاب الهی برای ملحدان است. عذاب به معنای رنج و آزار و درد، آنچه که انسان را از خواسته‌اش باز دارد (مهیار، ۱۳۷۵: ۶۰۳) و به معنای شکنجه و عقوبت است. منظور کیفرهای دردناک دنیوی و اخروی ملحدان، منافقان و فاسقان است (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶: ۳۳۷ و ۳۳۸) البته عذاب الهی ممکن است با مال و ثروت صورت گیرد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، ج ۲۰: ۲۰۰: توبه/۵۵).

خداوند آدمی را برای بندگی خویش آفریده و به او توان انتخاب و اختیار بخشیده است. کسانی که از بندگی خدا روی برتابند و راه گناه و نافرمانی در پیش گیرند، از تقرب به خدا باز می‌مانند و دچار خشم و غضب و کیفر الهی می‌شوند. اینان در عالم برزخ و محشر و آخرت، گرفتار کیفر عقاید و رفتارها و اعمال خویش خواهند بود (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶: ۳۳۷ و ۳۳۸). اعطای بهره‌های مادی عذاب الهی برای ملحدان است و بعد از آن نیز عذاب دنیوی و اخروی شامل این گروه می‌شود.

۱. استدراج همراه با اعطای بهره‌های مادی فراوان و شگفت‌آور به ملحدان هست، که

چهار علت برای عذاب بودن این مرحله بیان می‌کنیم:

الف) این مرحله زمانی به وقوع می‌پیوندد که خداوند با بعثت رسول و فرستادن سختی‌ها با مردم اتمام حجت نمود؛ اما قلب‌های آن‌ها چون سنگ سخت و قسی شد (انعام/۴۳) و غیر قابل هدایت گشت، اعطای این نعمات دیگر برای هدایت آن‌ها نیست، زیرا اگر برای هدایت آن‌ها بود برای‌شان خیر بود در صورتی که قرآن این نعمات را برای‌شان خیر نمی‌داند و وقتی نعمتی خیر نبود، شر و عذاب می‌باشد.

ب) عاملی که مشخص می‌کند نعمت یا رنجی که به بنده‌ای رسیده، لطف الهی است یا عذاب او، قصد و اراده الهی از اعطای آن است؛ اگر آن اعطا، به خاطر رحمت الهی به بنده باشد، تفضل و لطف الهی است، هرچند که در ظاهر رنج باشد؛ مثل مصائبی که بر پیامبر اسلام و ائمه در طول حیاتشان وارد می‌شده و اصلاً عذاب خداوند نبوده، اما اگر از

روی غضب الهی باشد، عذاب پروردگار برای اوست هرچند در ظاهر نیکو باشد، پس ظاهر عطای الهی، لطف یا عذاب بودن آن را مشخص نمی‌کند.

(ج) آیه ۵۵ توبه، اموال و اولاد منافقان را عذاب آن‌ها با مال و دارایی می‌داند(هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، ج ۲۰: ۲۰۰).

﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِمَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾

«زهوق» به معنای خروج به سختی، و اصل آن به معنای بیرون آمدن جان و مردن است. خدای تعالی در این آیه پیغمبر گرامی‌اش را از اینکه شیفته کثرت اموال و اولاد منافقین گردد نهی می‌کند. آنگاه این معنا را چنین تعلیل می‌کند که این اموال و اولاد که قهراً انسان را به خود مشغول می‌کند نعمتی نیست که مایه سعادت آنان گردد، بلکه نعمتی است که ایشان را به شقاوت می‌کشاند، چون خداوندی که این نعمت‌ها را به ایشان داده، مقصودش این بوده که ایشان را در زندگی دنیا عذاب نموده جان آنان را در حال کفر بگیرد. زندگی وقتی مایه سعادت است که بر مجرای حقیقی‌اش جریان داشته باشد و آدمی را به آثار واقعی آن که علم نافع و عمل صالح است برساند، اما کسی که به زینت‌های دنیوی مشغول شده و شیطان او را از خود بی‌خبر کرده، در تزامم‌های لذائذ مادی قرار گرفته، و با همان چیزهایی که آن‌ها را مایه سعادت خود می‌پنداشته، به شدیدترین عذاب‌ها دچار می‌شود(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۱۴).

هرچه دنیا بیش‌تر به کسی روی بیاورد، به همان اندازه از عبودیت دورتر و به هلاکت و عذاب‌های روحی نزدیک‌تر می‌شود و همواره در میان لذائذ مادی و شکنجه‌های روحی غوطه می‌خورد و آن چیزی که این طائفه آن را گشایش تصور می‌کنند در حقیقت تنگی و ناگواری است: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ (طه/۱۲۴) و این همان املاء(مهلت دادن) و استدراج است(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۱۵).

زیادی اموال و اولاد آن‌ها جز خسارت و زحمت برای آن‌ها ثمری ندارد و خداوند می‌خواهد چند روزی آن‌ها را به این موهومات سرگرم نماید که هرگونه اذیت را برای جمع‌آوری و حفظ آن‌ها تحمل نمایند و نتوانند توشه‌ای برای آخرت تهیه کنند و عاقبت بگذارند و با حسرت از دنیا بروند. لام در لیعذبهم برای بیان عاقبت نیست بلکه لام زائده

است برای تأکید و ان ناصبه بعد از آن مقدر است، اراده الهی به عذاب آن‌ها در دنیا به سبب اموال و اولاد و به مرگ آن‌ها با ندامت در حال کفر- که موجب عذاب دائمی است- تعلق گرفته است (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۲: ۵۹۱).

د) آیات مختلفی از قرآن بیان می‌کنند که افزایش نعمت موجب طغیان انسان‌ها می‌شود و در مقابل آن، زمانی که خداوند می‌خواهد انسان‌ها به راه راست برگردند آن‌ها را به سختی مبتلا می‌کند.

﴿وَلَوْ سِطَّ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبِغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدَرِ مَا يَشَاءُ﴾

این آیه بیان می‌کند که اگر خدا روزی انسان‌ها را گسترش دهد طغیان می‌کنند؛ در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ ۚ إِنَّ رِءَاءَ الشَّغْوَىٰ﴾

در این آیه نیز می‌فرماید زمانی که انسان احساس بی‌نیازی می‌کند، سرکش می‌شود. در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأْبِحُ أَنبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ﴾

در اینجا می‌گوید که دادن نعمت به انسان‌ها، موجب روگردانی آن‌ها از خداوند می‌شود و وقتی به آن‌ها سختی رسید به طرف خداوند برگشته و زیاد دعا می‌کنند؛ مشابه این آیه در سوره اسراء نیز بیان شده؛ قرآن در جایی دیگر می‌فرماید فراوانی نعمت موجب مغرور شدن انسان‌ها و در نهایت هلاکت آن‌ها می‌شود:

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا... وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقَرْيِ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ﴾

قرآن بیان می‌کند که در بسیاری از موارد، فراوانی نعمت موجب هلاکت انسان‌ها می‌شود و در آیه بعد گفته خدا فقط ظالمان را هلاک می‌کند؛ یعنی در موارد زیادی، فراوانی نعمت موجب می‌شود انسان‌ها به دیگران ظلم کنند.

در حدیثی از پیامبر (ص) چنین نقل شده: «إذا رايت الله يعطى العبد من الدنيا على معاصيه ما يحب فإنما هو استدراج ثم تلا رسول الله (ص) فلما نسوا» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۳۹).

امام علی (ع) نیز در این زمینه فرموده‌اند: «یابن آدم اذا رايت ربك سبحانه يتابع عليك نعمه وانت تعصيه فاحذره» (همو). این احادیث بیان می‌کنند که اگر بنده معصیت

کند و نعمات برای او فرستاده شود، این‌ها مقدمه مجازات الهی است. برای نتیجه‌گیری از این آیات و روایات باید گفت که افزایش نعمت‌های دنیایی وقتی برای افراد معصیت کار و نافرمان باشد، موجب طغیان، غفلت، سرکشی و عصیان آن‌ها می‌شود و چنانکه آیه ۴۲ شوری بیان می‌کند، مجازات عصیانگران عذاب دردناک الهی است:

﴿ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾

در مقابل این قضیه، قرآن بیان می‌کند که هر پیامبری را که به سوی مردم فرستادیم، برای تضرع و بازگشت آن‌ها به راه راست، آن‌ها را به سختی و بلا دچار کردیم: ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ﴾ (اعراف/۹۴)

لذا می‌توان یک قانون کلی را از زبان قرآن بیان کرد که افزایش نعمت موجب سرکشی انسان‌ها و سختی و رنج موجب تضرع آن‌ها می‌شود. پس نعماتی که در این مرحله از استدراج به ملحدان داده می‌شود که موجب عصیان بیش‌تر آن‌ها می‌شود، از روی غضب الهی و عذاب برای آن‌ها است.

۲. بعد از استدراج، نزول عذاب ناگهانی بر ملحدان در این دنیا است که به صورت طوفان، صاعقه، زلزله و... می‌باشد. کافران قوم نوح در طوفان غرق شدند و تکذیب کنندگان قوم صالح و شعیب با زلزله از پا درآمدند و سرکشان قوم لوط با بارشی از مواد گوگردی [نابود شدند. نزول این عذاب‌های دنیوی بر ملحدان به صورت ناگهانی و غیر منتظره است؛ وقتی حجت بر مردم تمام شد و درهای همه چیز بر آن‌ها باز شد و آن‌ها در غفلت و سرور بودند، عذاب ناگهانی پروردگار آن‌ها را نابود می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۳۰):

﴿ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ۖ فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾

با نزول عذاب الهی، هلاکت و نابودی همه تبارشان را فرا گرفت، و از آنان اثری باقی نگذاشت یا از آنان احدی نجات نیافت. در جمیع بلاهایی که بر سر کفار آمده و آن‌ها را منقرض ساخته تقصیر با خودشان بوده، چون مردمی ستمگر بوده‌اند، و هیچ ملامتی بر

خدای تعالی نیست، بلکه او سزاوار مدح است، زیرا درباره آنان جز به مقتضای حکمت بالغه‌اش رفتار نکرده و در راهی که منتهی به هلاکتشان شد جز به سوی چیزی که خودشان اختیار کردند سوقشان نداده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۳۱).

۳. پس از عذاب دنیوی، عذاب سخت اخروی در انتظار این افراد است. نعماتی که در استدراج به ملحدان داده می‌شود برای این است که کافر بمیرند و کافران علاوه بر عذاب سخت دنیوی، مشمول عذاب شدید اخروی خواهند شد که آیات زیادی عذاب سخت کافران را بیان می‌کند؛ مانند:

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَعَذَّبْنَاهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَالَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾

همچنین خداوند می‌فرماید: متاعی که به کفار داده شده، موجب فریفته شدن مردم می‌شود، اما جایگاه آن‌ها جهنم است و در آنجا عذاب خواهند شد:

﴿لَا يَعْزُبُ عَنْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ۚ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾

در استدراج دو پدیده مهم نقش دارند: تکذیب و کفر، که این دو موجب خلود در جهنم می‌شوند؛ تکذیب آیات الهی یکی از عوامل اصلی ابتلای مردم به استدراج است و نعمات استدراجی موجب می‌شود این افراد در حال کفر جان بدهند و وجود این دو عامل موجب جاودانگی در آتش می‌شود:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره/۳۹)

عذاب	مکر	امهال	امداد	
*	*	*	*	مرحله اول
*	*			مرحله دوم
*				مرحله سوم

مرحله اول استدراج که بهره مندی فراوان کفار از نعمات دنیوی است، از چهار سنت امداد، امهال، مکر و عذاب نشأت می‌گیرد؛ مرحله دوم، که عذاب ناگهانی دنیوی است از دو سنت مکر و عذاب ناشی می‌شود و مرحله سوم استدراج نیز عذاب سخت قیامت است.

نتیجه بحث

پیشرفت الحادی از چهار سنت امداد، امهال، مکر و عذاب نشأت می‌گیرد. امداد، مهلت و املاء: اولین مرحله از استدراج که بهره‌مندی فراوان کفار از نعمات دنیوی است، امداد و مهلت خداوند به آن‌هاست. مکر: مرحله اول و دوم استدراج از مکر الهی ناشی می‌شود؛ مرحله اول استدراج که همراه با تمتعات زیاد دنیوی است، مکر الهی نسبت به کفار است؛ زیرا آن‌ها این نعمات را خیر برای خود تصور می‌کنند، در صورتی که هیچ خیری برای آن‌ها نیست و عذاب است. بعد از این نعمات، ناگهان در دنیا عذاب می‌شوند، که این مرحله دوم استدراج است؛ چون این عذاب غیر منتظره و ناگهانی است، این مرحله نیز مکر خداوند به آن‌هاست. عذاب: هر سه مرحله از استدراج، عذاب الهی برای آن‌هاست؛ مرحله اول استدراج هر چند ظاهری نیکو دارد، اما بعد از اتمام حجت خداوند با کفار و قساوت قلب آن‌هاست و برای این است که بیش‌تر سقوط کرده و در حال کفر جان دهند؛ لذا عذاب الهی است. مرحله دوم استدراج هم، عذاب دنیوی به شکل طوفان، صاعقه، زلزله و... است و مرحله سوم استدراج هم عذاب سخت اخروی برای این گروه هست.

کتابنامه

- ابن عاشور، محمد بن طاهر. بی تا، **التحریر والتنویر**، بی جا: بی نا.
- ایزوتسو، توشیهیکو. ۱۳۸۸ش، **خدا و انسان در قرآن**، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پژوهشکده تحقیقات اسلامی. ۱۳۸۶ش، **فرهنگ شیعه**، قم: زمزم هدایت.
- تودارو، مایکل. ۱۳۸۹ش، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات کوهسار.
- ثقفی تهرانی، محمد. ۱۳۹۸ق، **تفسیر روان جاوید**، تهران: برهان.
- چپرا، محمد عمر. ۱۳۸۳ش، **اسلام و توسعه اقتصادی: راهبردی برای توسعه همراه با عدالت و ثبات**، ترجمه محمدنقی نظرپور و اسحاق علوی، قم: مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید.
- حکیمی، محمدرضا، محمد و علی. ۱۳۸۰ش، **الحیة**، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- راغب أصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۷۴ش، **مفردات الفاظ قرآن**، ترجمه و تحقیق و تصحیح غلامرضا خسروی حسینی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرتضوی.
- زَمْخَشَرِي، محمود. ۱۴۰۷ق، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**، بیروت: دار الکتب العربی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۴ش، **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوش همدانش، قم: دفتر انتشارات اسلامش جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۶۰ش، **ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق رضا ستوده، ترجمه مترجمان، تهران: فراهانی.
- عسکری، ابو هلال. ۱۴۱۲ق، **الفروق اللغویة**، تحقیق مؤسسه النشر الإسلامی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- فرهنگ و معارف قرآن. ۱۳۸۶ش، **استدراج سقوط گام به گام**، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- کاشانی، فتح الله. ۱۳۳۶ش، **تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
- متوسلی، محمود. ۱۳۸۷ش، **توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش شناسی**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۲ش، **توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث**، با همکاری سیدرضا حسینی، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.

مصطفوی، حسن. ۱۳۶۸ش، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸ش، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مهیار، رضا. ۱۳۷۵ش، *فرهنگ ابجدی عربی فارسی*، تهران: اسلامی.

میر معزی، سید حسین. ۱۳۹۰ش، *نظام اقتصاد اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق)*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نصری، عبدالله. ۱۳۷۹ش، *مبانی انسان شناسی در قرآن*، بی‌جا: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

هادوی نیا، علی اصغر. ۱۳۸۲ش، *انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

هادوی نیا، علی اصغر. ۱۳۸۷ش، *فلسفه اقتصاد (در پرتو جهان بینی قرآن کریم)*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن. ۱۳۸۴ش، *فرهنگ قرآن*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

مقالات

بنایی، علی. ۱۳۹۷ش، «سنت امداد و گونه‌های آن در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال نهم، شماره ۳۵.

نظرپور، محمدنقی و انسیه کاشانی. ۱۳۹۳ش، «نقد تعریف توسعه اقتصادی رایج و تبیین مفهوم پیشرفت اقتصادی توحیدی و الحادی از دیدگاه قرآن کریم»، مجموعه مقالات، همایش سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان)، تهران: دبیر خانه سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱-۱۳.

هادوی نیا، علی اصغر. ۱۳۸۶ش، «جایگاه اقتصادی سنت رزق»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۸، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Bibliography

Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir. No date, *Al-Tahrir and Al-Tanvir*, no place: Bina.
Izutsu, Toshihiko. 2009, *God and Man in the Quran*, translated by Ahmad Aram, Tehran: Anteshar Co.

- Islamic Research Institute. 2007, Shiite culture, Qom: Zamzam Hedayat.
- Todaro, Michael. 2010, Economic Development in the Third World, translated by Gholam Ali Farjadi, Tehran: Kuhsar Publications.
- Saghafi Tehrani, Mohammad 2019, Tafsir Ravan Javid, Tehran: Borhan.
- Chira, Mohammad Omar 2004, Islam and Economic Development: A Strategy for Development with Justice and Stability, translated by Mohammad Naghi Nazarpour and Ishaq Alavi, Qom: Mofid University Publishing Institute.
- Hakimi, Mohammad Reza, Mohammad and Ali. 2001, Al-Hayat, translated by Ahmad Aram, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad. 1995, Contents of Quranic words, translation, research and correction by Gholamreza Khosravi Hosseini, second edition, Tehran: Mortazavi Publications.
- Zamakshari, Mahmoud 1407 AH, Al-Kashef An Haqqiq Ghawamez Al-Tanzil, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1995, Tafsir Al-Mizan, translated by Seyed Mohammad Baqir Mousoush Hamedanesh, Qom: Islamic Publications Office, Qom Seminary Teachers Association.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan 1981, translation of Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, research by Reza Sotoudeh, translated by translators, Tehran: Farahani.
- Askari, Abu Helal. 1412 AH, the linguistic divisions, research of the Islamic Publishing Foundation, Qom: The Islamic Publishing Foundation, Al-Tabea Lejamaat Al-Modaresin.
- Culture and knowledge of the Quran. 2007, Step-by-step fall extraction, Qom: Bustan Ketab Institute.
- Kashani, Fathullah 1957, Interpretation of the method of the honest in the obligation of the opposition, Tehran: Mohammad Hassan Elmi Bookstore.
- Motusali, Mahmoud 2008, Economic Development: Concepts, Theoretical Foundations, Institutional and Methodological Approach, Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Position) Center for Research and Development of Humanities.
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad 2003, Economic Development Based on Quran and Hadith, in collaboration with Seyed Reza Hosseini, Qom: Hadith Publishing Organization.
- Mustafavi, Hassan 1989, Research in the words of the Holy Quran, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Motahari, Morteza 1999, Collection of works of Master Shahid Motahari, Tehran: Sadra.
- Makarem Shirazi, Nasser 1995, Sample Interpretation, Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islami.
- Mahyar, Reza 1996, Persian Arabic Arabic alphabet, Tehran: Islami.
- Mir Moezzi, Seyed Hossein 2011, Islamic Economic System (Principles, Objectives, Strategic Principles and Ethics), Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought.
- Nasri, Abdullah 2000, Basics of Anthropology in the Quran, no place: Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought.
- Hadavi Nia, Ali Asghar. 2003, Economic Man from the Perspective of Islam, Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought.
- Hadavi Nia, Ali Asghar. 2008, Philosophy of Economics (in worldview of the Holy Quran), Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought.
- Hashemi Rafsanjani, Akbar and researchers of the Center for Quranic Culture and Education. 2005, Quran Culture, Qom: Institute of Bustan Ketab.

Articles

Banai, Ali 2018, "The tradition of relief and its types in the Holy Quran", Quarterly Journal of Quranic Studies, Year 9, No. 35.

Nazarpour, Mohammad Naghi and Ensieh Kashani. 2014, "Critique of the definition of current economic development and explanation of the concept of monotheistic and atheistic economic progress from the perspective of the Holy Quran", Proceedings of the Third Conference of the Iranian Islamic Model of Progress (Analysis of Concepts and Theories of Development and Experiences of Iran and the World), Tehran: Third Iranian Islamic Model of Progress Conference, pp. 1-13.

Hadavi Nia, Ali Asghar. 2007, "The Economic Status of the Sunnah of Sustenance", Islamic Economics Quarterly, No. 28, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.



Divine Traditions in Al-Hadi's Economic Progress from the Perspective of the Holy Quran

Date of Received: April 8, 2019

Date of Acceptance: July 9, 2019

Ensieh Kashani

PhD student in Imami Theology, Quran and Hadith University.
ensiehkashani2002@gmail.com

Mohammad Rakai

Assistant Professor of Imamiye Theology Research Institute of Quran and Hadith University. m.rokkaei@gmail.com

Ali Asghar Hadavi Nia

Assistant Professor of the Institute of Islamic Culture and Thought.
alihadavinia@gmail.com Corresponding author: Ensieh Kashani

Abstract

The Qur'an explains two types of economic progress. The Qur'an explains the many material benefits with different interpretations (blessings of heaven and earth, streams and gardens, etc.) in accordance with the age of its revelation, which have a different nature for the two monotheistic and atheistic societies and the principles of their realization are also contradictory; Monotheistic progress is achieved for a united and believing society, and goodness and blessing is for them; But atheistic progress is made for the atheists and the disobedient, and the punishment is good in appearance. In this progress, God opens all the doors of material blessings on them and afflicts them with economic progress, and these benefits increase more and more day by day, but suddenly, he takes those blessings from them and suffers severe worldly and then hereafter torment. In this research article, we answer the question, what is the relationship between atheistic economic progress and divine traditions from the Qur'an's point of view? And those divine traditions that cause economic progress for atheists are examined. This research uses descriptive-analytical method.

Keywords: economic progress, divine traditions, atheistic progress, extraction, giving a respite.